



عنوان مراسلات

میرزا جهانگیر خان شیرازی و
 میرزا قاسم خان تبریزی
 طهران نزدیک امامزاده یحیی
 کوچه مسجد فاضل خلخالی
 دیرو نکازنده میرزا علی اکبر خان قزوینی
 شنبه ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۲۶ هجری

فاذا نفخ فی الصور فلا أنساب ینتهم

هفتگی سیاسی تاریخی اخلاقی ، مقالات و لویحی
 که موافقت با مسلک ما داشته باشد یا امضا پذیرفته
 میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است ،
 یا کتبهای بدون [نمبر] قبول نخواهد شد ،
 و وجه آئونه از هر کس و از هر جا مقدمات گرفته میشود

قیمت اشتراك سالانه

طهران دوازده (۱۲) قران
 سایر بلاد ایران هفده (۱۷) قران
 ممالک خارجه دو (۲) تومان
 طهران چهار (۴) شاهی
 سایر بلاد ایران (۵) شاهی

اعلام

۱) ضامن وجوه آئونه مشترکین صور اسرافیل در بلاد
 داخله و خارجه وکلای محترم اداره اند .
 ۲) اجرت اعلان سطری دو قران ، در صورت تکرار
 تخفیف داده میشود .

ملت و دربار

چند نفر درد پیاله وجود و سفلی ثمرات هستی یعنی
 معدودی از روسی نژادان که ملت آدم پرست روس نیز
 وجود آنها را ننگ هبت و لکته دامن قومیت خود
 می شمارد چنان دور دربار دولت ایران را احاطه کرده اند
 که برای نفوذ کمترین رایشه احساسات انسانیت سرسوزنی
 هم منقذ و مدخل باقی نمانده است .

در صورتیکه ملت ایران با تصد سال از قافله دنیا عقب
 مانده ، در صورتیکه دولت ما موازته پلنتیکی خود را در
 میزان سیاست عالم گم کرده ، و در صورتیکه هر یک

دوبقه وقت ما اسروز با مرگ یا جهات ایران بازی می
 کند ، قریب دو سال است که همین چند نفر منفور حوزه
 انسانیت حواس تمام اولاد ایران را بمرمت خراب کاری
 ها و تصفیه کثافت وجود خود مشغول کرده اند .

همیچ راه فحاشی ملت ایران برای خود پیش بینی نمی
 کند جز اینکه دیواری از زرات این دسته جلو آن کشیده
 میشود ، همیچ نسیم روح بخشش و دادی مابین دولت و
 ملت ایران نمی وزد جز اینکه تعفن وجود این چند نفر آنرا
 مسموم مینماید .

سعایت های خانثانه این چند نفر چنان قلب مقدس
 پادشاه را از فرزندان ایران مضمون کرده و دل ملت را از
 اشفاق پادشاهی جوان که مظان هر گونه خوشبختی ایران
 بود مأیوس نموده که امروز از روی کمال ناچاری ، هم
 کمسیون اصلاح مجلس شوری ، هم نطق و قلم هر خطیب
 بلایع ، و نویسنده زبردست ، و هم افکار دقیقه دیپلمات
 عاشق اصلاح با کمال عجز به بی اثری اقدامات خود

معترف است .

چرا اینطور شده است ؟ - جواب این چراره
طفل نابالغ ایران بخوبی میدهد .

برای اینکه سی وجد و جهد دولتخواهانان این چند
نفر چاکر دولتخواه امضاء دولت را در انظار ملت از
قول ادنی بقالی که حس شرف داشته باشد بی اعتبار تر
کرده است .

دیگر نه هیچ قسم مقلظه ، نه هیچ امضای مهر
بیضا و نه هیچ دستخط آفتاب فقط نمیتواند قلب ملت را
مطمئن و بقای صلح و استقامت مجلس شوری و قانون
اساسی را تأمین کند

ملت خوب میداند که تا این چند نفر لکنه شرف در
دربار معدلت مدار ملاحظ و مظهر قوای دولت میباشند
گذشته از اینکه هیئت دولت اداره حافظ بقا و استقلال
ایران ، و خادم باوقای ملت نیست ، دشمنی است بهبه که هر
روز با کمال سعی و قدرتی که دارد در اضمحلال این مملکت
و محو نام ایران و ایرانی از صفحه روزگار میکوشد ، و
کیست که این نظر صائب و فیکر ثاقب ملت را تردید
کند ؟

چه در صورتیکه دولت قوه جمع آوری ده هزار
قشون منظم را ندارد ، و قزاقهای دشمنی قوی بجه
مانند روس سه فرسخ بخاک ایران تجاوز کرده و در صورتیکه
روز آخر اولتهاوم روس است (یعنی هفت هشت ساعت
بیشتر بشروع جنگ رسمی دولت ایران و روس نموده
است) و از ژاپون گرفته تا امریکاهمه ملل
دنیا حواسشان معطوف به بلند شدن این پرده و آدم
برسهای عالم باعجله هر چه تمامتر چه بتوسط اوراق و چه
بواسطه جراثید و خطابات و چه بوسائل دیپلوماسی مظلومیت
مارا در نظر گرفته و بما معاونت و کمک مینمایند . و تنها
وسيله که برای رهائی و استخلاص ایران و ایرانی باقی مانده
است همان مذاکرات پالتیکی و رد و بدل ملائمت و تراکهای
بین المللی میباشد ، آیا در بنوقت دولتی که امر به بریدن سم
های تلگرافی میکنند معنی این نیست که میخواهد رگ
حیات ملت را قطع نماید ، ؟ و آیا مات حق ندارد که
بگوید من يك دشمنی خانگی دارم که با اعدا خارجی همدست
و همدستان شده و اسباب فنا و اضمحلال مرا تهیه و

فراهم میکنند ! ! ! ؟

ملت ایران اگر قصد بقا و دوام داشته باشد و اگر
بخواهد که اولاد خود را ریزه خوار خون اجانب نکرده
دخترهای خود را به کنیزی خانهای روس و انگلیس نهد
به ترتیب طبیعی امروز از تصفیه داخله خود ناگزیر
است . و تصفیه داخله نیز جز بیگ کردن در بار صورت
نخواهد گرفت .

ملت ایران از شمال تا جنوب و از مشرق تا مغرب
مملکت بصدای واحد همین استدعا را دارد ، و حق برستی
ملل حق شناس عالم را نیز برای گواهی صحت دعاوی خود
حاضر نموده است .

یعنی بصدای تظم امروز در عرصه میدان افکار آزادی
خواهان دنیا فریاد میکنند که دوازده فصل از قانون اساسی
مملکت ما که بهیئت خون ، مال ، عرض و ناموس ما
تحصیل شده است امروز بواسطه خیانت این چند نفر
نقض شده ، و ما حاضریم که با بقایای جان و مال و عرض
و ناموس و بالاخره اثرات وجود خود این دوازده فصل
قانون را مرمت کرده و سلطنت ایرانرا هم بعدها حقاً
بیرائتها واگذاریم ، یعنی چند نفر لکنه دامن شرافت ملت
آزادی خواه روس را که امروز زمام حریت ما را بدست
گرفته و در بار دولت ایرانرا احاطه کرده اند از در بار دور کرده
و بعد از این شاهنشاه عدالت خواه خود را بی هیچ
حجاب و حائلی سلطان مستقل ایران شناخته کلمه موانع
واسطه بین اعلیحضرت شاه و ملت را جز آنقدر
که قانون تمین میکنند از میان برداریم .

در مقابل این در خواست مشروع همان خائنین درباری
و همان چرک های تشريف اخلاق ، و همان میکرب های مضر
صحت اجتماعات بشری برادران قزاق و سرباز مارا جلو
روی ما نگاهداشته و مارا بوجود آنها تهدید میکنند .
یعنی نقشه بی نتیجه دولت روس را که در مقابل ملت
روس کشیده بود میخواهند در ایران تجدید کنند ، ولی
بیکان مادر اینقسمت از پلینک خود انقباض کرده و از
جاده نیل بمقصود منحرف شده اند .

دولت روس آن دیمه از قزاقها را که در جلو
آزادی ملت خود سد قرار میداد در میان
رختخوابهای فواحش روس تخم گیری کرده و از نطفه های

سرا راه تربیت نموده بود .

قزاق روسی پدر خود را نمی شناخت . قزاق روسی
دین و آئین خود را نمی دانست . قزاق روسی خدای
آسمان و زمین امپراطور را تصور می کرد .

آیا عمه در بار از شمال تا جنوب ایران يك نفر
سرباز یا قزاق سراغ دارند که پدر خود را نتناسد ؟
آیا يك نفر سرباز یا قزاق در این مملکت پیدا می کنند که
در اعتقادات مذهبی خود راسخ و بایدار نباشد . ؟
آیا يك نفر قزاق یا سرباز سراغ دارند که اعلی دیوان را
ظلمه و سلطنت جائزه را منافی با عقاید مذهبی خودش
نداند ؟ آیا در میان مسلمانهای ایران بکنفر که هنوز
اثری از اسلامیت و بوئی از یابی نژاد در او هست میتواند
پیدا نمود که به برادر کشتی قیام کند .

خائنین در بار فراموش کرده اند که سرباز و قزاق
ایران امروز با کمال یابی فطرت و عقیده ثابت مذهبی در
پای منبرهای عزنا حاضر شده و بعد از سیزده قرن بر مظلومیت
پیش قدمان اسلام گریه کرده و بر ظالمین نفرین و لعنت
میکندند . و اینتراهم خوب ملتفت شده اند که شهبان آن
اوپای دین نیز از فضل طینت آنها خلق شده و امروز
درهان ممالک قدم میزنند که بزرگان شان جان خود را در
آن راه گذاشتند .

آیا ممکن است که قزاق یا سرباز سینههای شهبان علی
و سادات نبی فاطمه و علمای واجب الاطاعه خود را هدف
کلوله کرده و برای ماهی شش تومان بدبختی آنجهانی و
آتش قهر و غضب الهی را برای خود آماده نماید .

برادران قزاق ما هر چند که بنظام روسی تربیت شده
باشند ولی هیچوقت دین و ایمان خود را بروسها نفروخته
و میدانند که خون و رگ و پوست و استخوانشان از نعمت
همین ملت که امروز عدالت میخواهد و احبای قوانین
قر آن را مطالبه مینماید روئیده است ، و هیچوقت صاحب
منصب روس یا فلان خائن در بازی این پولها را از ممالکت
خود بار نکرده و برای قسمت کردن قزاقهای ما
همراه نیابورده است . برادرهای قزاق ما درست فهمیده اند
این مواجی را که آنها گرفته و خرج می کنند مال رعیت
ایران است ، و این رعیت همان رعیتی است که تقریباً تمام
سال را در زیر آفتابهای سوزان و سرماهای سخت گرسنه و

عوز زحمت می کشد و رنج می برد تا یکشاهی را صدیقار
کرده مواجب و مخارج برادران نظمی خود را فراهم کند
و قصدشان از این فداکاری آن است که جان و مال و عرض و
ناموس و وطنشان در زیر سایه غیرت و جوانمردی همین
سربازان و قزاقان آسوده بماند نه اینکه در صورتیکه وطنشان
اسیر دست اجانب شده و دین و مذهبشان بدست کفار
افتاده برادر های قزاق و سرباز به برادر کشتی شروع کنند
با اینهمه ما حالا برادران قزاق و سرباز خود خطاب کرده
میگوئیم که اگر شهادت قب خودتان اینقدر از بی رحمی
و سنگلی سراغ دارید که برای زخارف مختصر دنیا برادران
دینی خود و ذریه رسول خدا و پسرهای فاطمه و پدشویان
دین را هدف گلوله کنید ما هم سینه های خود را در
مقابل تیرهای شما گرفته و هیچ نوع دفاع نخواهیم
کرد ، اما اینرا بدانید که لعنت خدا و نفرین رسول
و ائمه دین شما را به بدترین حالات مثل اشقیاء
کوفه و شام عقرب دوچار انتقام مختارها ، مصعب
ها ، و عبدالله زبیرها ، خواهد کرد . و گذشته از
اینکه در دنیا از مال و عیال و اولاد و جان خودتان خیر
نخواهید دید در آخرت نیز با مخالفین سحرای کربلا و
شمر و یزید و سنان و خولی محشور خواهید شد .

و ما هم از این جان بازی و فداکاری عاری نداریم
و هیچوقت نمیگوئیم که چرا ما مغلوب مستبدین و بی دینها
شدیم زیرا که برادران آذربایجانی و گیلانی و فارسی و
اصفهان ما در راهند و عقرب خواهند رسید . ما میخواهیم
با بدنهای خود زیر سم اسبهای آنها را نرم و مفروش کرده
و زمین طهران را برای تشریفات مقدم این مهمانهای تازه
رسیده از خون گلوئی خود زینت دهیم . و به آن
برادر های مهربان بگوئیم و افتخار کنیم که ما هم پیش
صفان شهدای راه آزادی ، ما هم اولین حامیان دین
مبین اسلام ، و ما هم اشخاصی که بمقدم مهمانان گرامی خود
جان قربان می کنیم ، و ما حاضر هستی را بر طبق اخلاص
می نهیم .

بقیه مقاله جناب میرزا ابوالحسن خان

از نمره قبل

و چون دخل ما امروز اضافه قابل ندارد برای

دولت اضافه خرج است باید چیزی بر مالیات بیزانیم که عین آنرا بمصارف لازمه برسانیم یا اعتبار آن قرض کنیم تا کنون ما یک لفظ مالیات و عوارض دیوانی داشتیم و معنی آن چپاول و غارتگری بود ، اسم اخذ مالیات دیوان ، و رسم بردن مال و خوردن خون مسلمانان و با این حال یقین است که دها از لفظ مالیات وحشتناک میشود ، و هیچ بشری باختیار زیر این بار نا ملایم نمیرود اما دانشمندان قوم میدانند که در دول آزاد مالیات پول یا مالی نیست که بگنفر بهوای نفس خود بگیرد و بمصارف شخصی خویش برساند ، بلکه مالیات پولی است که هر یک از افراد ملت برای مخارج لازمی میدهد که خود از عهده فراهم کردن آن بر نماید ، مانند پاپس و محکمه عدلیه و قشون که هر یک باعتباری حافظ جان و مال افراد است و ادارات علمی و تجاری و فلاحی که اسباب ازدیاد علم و دارائی افراد ملت را فراهم میسازد پس مالیات در دولت مشروطه حکم سهام کبیانی خیلی معتبری را دارد ، که چندین برابر قیمت اصلی سهام منافع غیر مستقیم بشخص میرساند ، و بنای مالیات نیز نتیجه لزوم بعضی مخارج است نه آنکه چون مالیات بگیرند مخارجی هم در مقابل آن میباشند ، چنانکه دولت ابتدای هر سال مخارج لازمه آن سال را باز دید مینماید و مطابق آن خرج دخلی هم از مالیههای مختلفه پیدا میکنند و مجموع این خرج و دخل را بتصویب پارلمان میرساند و بعد از تصویب این صورت بود چه را چاپ و منتشر میکنند و از اینجهت دولت درست در حکم شرکتی در مباد که شرکا را از دخل و خرج خود مطلع مینماید و پیداست که با این ترتیبات دادن مالیات ضرر نیست بلکه نفع کثیر است و بموجب قانون اساسی و لفظ مشروطیت اصول ترتیبات بودجه ما نیز از همین قرار خواهد بود جز اینکه تا کنون گفتگوی طبع و نشر بودجه همچنان نیامده است

اما کلمه مالیات دو قسم است که یکی را باصطلاح علم ثروت و مالیه مالیات مستقیم و دیگری را غیر مستقیم گویند و مالیات مستقیم عبارت است از سرانه یا عوارضی که بر اشیا متصرفی انسان از قبیل خانه و اثاث البیت و غیره می بندند و مستقیماً از هر فرد یا هر رئیس خانواده میگیرند و مالیات غیر مستقیم عوارضی است مانند گمرک

که بر اجناس و اقمه مختلفه که برای خرید و فروش است بسته میشود ، و این قسم مالیات را از اینجهت غیر مستقیم میگویند که تاجر مبلغ مالیات را روی جنس میندازد و باینواسطه خرنده جنس در واقع مالیات دولت را میدهد بطور غیر مستقیم یعنی بتوسط تاجر در ضمن خرید جنس

غرض ازین تعریف آنکه چون بخواهیم مالیهائی اضافه کنیم یا باید مستقیم باشد یا غیر مستقیم و این نکته نیز بدیهی است که مالیات مستقیم یعنی سرانه یا مالیات خانه و غیره دواوی درد امروری ما نیست ، و شاید دردی نیز بر دردها اضافه کند ، زیرا که درین حالتی پولی و فقر عمومی بسیاری از مردم قوه دادن مالی سرانه و غیره ندارند ، و هر تحمل محسوس گران خواهد نمود و عیب بزرگتر آنست که ما تا کنون اداره مرتبی برای اخذ مالیات مستقیم نداشته ایم و اگر دست باینکار زدیم ناچار ادارات جدید باید دایر کرد ، و گذشته از معطلی بسیار که ممکن است در ضمن آن ممالیهها رشته امور بکلی گسسته شود معلوم نیست دخلی که امروز از مالیات مستقیم می توانیم برداریم بیشتر خواهد شد یا خرج آن ادارات ، اما حال مالیات غیر مستقیم بکلی بر خلاف اینست ، یا یعنی که اولاً چون این قسم مالیات بر اجناس و اقمه وارد مینماید و فقط مقدار مختصری بر قیمت آنها مینماید این تحمل بر کسی محسوس نخواهد شد بخصوص که این مالیات را بر اشیا ضروری نمی بندند ، و اشیا تقنی بر فرض که گران و صعب الوصول شود صرف نظر از آن ممکن است ، ثانیاً چون ما عجلتاً از مالیات غیر مستقیم گمرک را بنظر داریم و دارای اداره گمرک بالنسبه مرتبی هستیم ، هر روز که این مالیات غیر مستقیم یعنی اضافه گمرکی مقرر گردد میتوانیم شروع باخذ آن نمایم بدون آنکه خرجی از بنیابت اضافه شود زیرا که کار اجزای گمرک چه از هر یک باز جنس یک تومان بگیرند چه ده تومان یکی خواهد بود

چون با ملاحظه این مقدمات بلائحه قانونی جناب صنایع الدوله نظر اندازیم خواهیم دید که وزیر ماهرترین چاره کار را پیدا کرده و مناسب ترین راهی که بایدرفته ، زیرا که تحمل چیزی جزئی بر خرج جای وقتد که برای اضعف ناس تحمل آن چندان دشوار نیست چهار

کرور تومان اضافه دخل برای دولت میکنند ، و این دخل را برای ادای قرضی معتدله به محل قرار میدهد ، و پیدا کردن این دخل به تنهایی برای ملت ایران فوزی است عظیم و فوز عظیم تر آنکه گذشته از اصلاح ادارات مصرف مهمی که برای این قرض معین شده ایجاد یک خط راه آهن است ، و بدون انحراف راه آهن چشم و چراغ آبادی است و از توصیف و تمجید مستغنی ، و میتوان گفت که بهمان سرعت حرکت خود یا بیشتر ترقی مملکت را سر برع خواهد نمود ، هر صاحب هوش با بصیرتی که رساله راه نجات را خوانده باشد دو چیز را بخوبی دانسته است یکی آنکه راه آهن برای ایران و هر مملکتی الزم چیزهاست ، و دیگر آنکه وزیر مالیه مادرکار کشیدن راه آهن بصیر و داناست ، و این اتفاق با سابقه درستی آن وزیر بصیر و اطلاع او از امور مالیه منتهای خوشبختی و سعادت ما

یک نکته دیگر باقی است که گویا احتیاج آن اسباب کدورت ذهن بعضی از هموطنان عزیز ما باشد ، و آن اینکه دول مجاور ما را بنا بر خیال مملکت گیری جداً با این لایحه قانونی وزیر مالیه مخالف دانند البته ما برای عدم تعادل از وظیفه غیرت و وطن پرستی خود باید در خیال خویش دیگران را برای دست اندازی بخاک و آب وطن خود حاضر تصور کنیم و مهیا باشیم که در زیر سیخ آبدار یا گلوله آتشبار جان دهیم و بترك آزادی و استقلال خود بگوئیم ، لکن ترتیبات سیاسی عالم میگوید این امر یعنی خیال مملکت گیری همسایگان ما بزور صریح وجود خارجی ندارد و اقدام باینکار نخواهند کرد مگر آنکه ما خود بنفهمیده کاری آنها را وادار کنیم ، درین عصر مقصود از مملکت گیری تجارت است ، و وقتی در صدد گرفتن مملکت بر مینمایند که در صورت استقلال آن نتوان فایده تجاری از آن خاک برد ، و هر ملت که دانست نفع از در تجارت با دیگران است بیک اندازه از خطر محفوظ میماند ، و نکته دیگر اینکه مملکت گیری خرج و ضرر دارد و وقتی میتوان اقدام باینکار نمود که نفع آن بیش از خرج و ضرر آن باشد و همسایگان ما اینقدر میدانند که زحمت و مخارج مطیع کردن یک قوم تازه بیدار شده کم نیست ، باری بنا بر آنچه ما مینویسیم و از دانایان میشنویم بعلت اوضاع

سیاسی حاله دول مجاور ما میخواهند در مملکت ما دخالت مالکانه نمایند ، و اگر کسی هم دخالت بیوقع کند و حقوق ملت را مرعی ندارد بیشترت آن تا زمانی است که ملت حقوق خود را نداند و از مداخله دیگران در کارهای او غافل باشد ، بنا برین اگر زمانی با اضافه گمرک نقد و جای مخالفتی اظهار شده صرفاً بقصد مملکت گیری نبوده و علت دیگر داشته درینصورت رفع آن بطور دوستانه سهل است و امیدواریم مذاکرات دولتی بزودی نتیجه خوبی بمانشان دهد و ما باید به پیشرفت مذاکرات وزرای خود کمک نماییم باینکه شوق و میلی را که در قلب ماست ظاهر کنیم و یکی از فواید این کار آن است که همین مهل و همراهی ظاهر میکنند که برای این جزئی اضافه گمرکی تفاوتی در قند و جای ظاهر نخواهد گردید و ضرری ب تجارت دول همسایه نخواهد خورد چه ما خود بمیل قلبی خواسته ایم چیزی بر خرج خویش تحمل نماییم و بر خلاف شاید انجام نیافتن اینکار بیشتر ضرر وارد آورد

درینجا مناسب است که چندگله بطور جمله معترضه برای آگاهی همسایگان خود اظهار داریم ملت ایران با هیچیک از دول اروپا بلکه تمام دنیا بنای دشمنی و خصامت ندارد ، بلکه نسبت بعضی کمال دوستی و حق شناسی دارد لیکن چنین بنظر مینماید که رد و قبول اضافه گمرکی حکم فنا و بقای ملت ایران است ، چه ما امروز بترتیب معمولی دولتی نمیتوانیم مالیات مستقیم بگیریم و فعلاً مالیات غیر مستقیم ما منحصر بگمرک است و اگر از اضافه کردن آن بمنوع شدیم ، دیگر بطریق رسمی معمولی کاری نمیتوانیم بکنیم ، و شاید ناچار شویم که بنحو جانفشانی و گذشت از مال و جان در حفظ وطن خود بکوشیم یعنی هر کدام هر چه میتوانیم و تا هر وقت میتوانیم بدوات خود کمک مالی کنیم و برای این مقصود مجبوریم حتی المقدور از خرج خود بکاهیم و اول ضرر اینکار بقند و جای و بعضی مال التجاره های دیگر خواهد خورد ، پس اگر ما وقتی جای نخوردیم و بعضی اقمه دیگر نخریدیم برای دشمنی و لجاج با هیچ دولتی نیست ، بلکه از روی استیصال است در کار حفظ وطن خود ، یعنی اصلاح امور خویش و ناچاری از فراهم کردن پول بکاستن مخارج شخصی

و باز در هر صورت روابط دوستانه خود را با سایر ملل نگاه خواهیم داشت
 باز برویم بر سر اصل مطلب خود گذشته از لزوم اظهار
 همراهی کامل خویش با خیال دولت یا وزیر مانده درین
 مورد که اهمیت آنرا دیدیم باید نگذاریم کار گذاران دولت
 ماذنه سست شوند و از شوق و ذوق برفتند و خورده
 خورده تکامل بورزند . پس باید مذاکره این مطلب یعنی
 اضافه گمرک قند و چای و ترتیب کشیدن راه آهن را
 نگذاریم بهیچوجه خاموش شود و از هر وقت و از هر

طرف که بتوایم از راه صحیح قانونی اقدام کنیم ، و فعلا
 درین دفعه اقدام خود را باین نحو قرار دهیم که عریضه
 به پیشگاه مجلس مقدس شورای ملی معروض داریم حاکی
 از کمال اشتیاق ملت بانجام این مقصود ، و ضمناً استدعا
 نمائیم که تا هر اندازه که میتواند ما را از نتیجه اقدامات
 دولت مطلع سازند ، و از وزیر معظم ما خواهش کنند
 که از جانب کار گذاران دولت درینکار هیچگونه تکامل
 نشود تا هر چه زود تر ممکن است این تشنگان را باب
 رسانند .

اختیار عراق عرب

از کشف و شنیدنی های عراق عرب در این ازمه ورود سپید اکبر شاه روضه خوان شیرزای یا سردار توپخانه و پهلوان
 و سرهنگ زورخانه ، ناشر استبداد ، و راه نمای طریق عناد ، و دامن زن آتش فتنه و فساد کرمانشاه است که در
 یخشینه ۲۳ صفر وارد کربلای معلای شده و شب جمعه ۲۴ در صحن شریف حضرت خامس (ع) پشت حرم فردوس شیم منبر رفته
 و خدام حرمین شمع وار با دل سوخته و سینه کباب و جگر برشته که از قاتل مداخل و بیامدن زوار داشتند و عنوان
 مشروطه و تأسیس شورای کبری اسلامی و انشق عدول مؤمنین و اجتماع ثقات مسلمین را قرین زندغه و شقیق الحاد
 و توام کفر میدانند و ورود این پهلوان را علاج درد و شفای مرض و مرجع این جراحات بی بولی دانسته بوی گرد
 آمدند ، همگی يك تن بجنون وار بوصال لیلی معشوقه خویش رسیده ، دل دادند و قولوه گرفتند و از نایت شادی کوشها رانید
 چنانچه دهنهارا باز نمودند و بواسطه قرب خنجر همه حرفهای آبدار پهلوان را از راه دهن و بینی بلع نمایند هنوز شروع
 نکرده خرمگسان دور مرکه را گرفتند ، سپیدنا چون مرکه را گرم و مشتریان را نرم دیده آنزبان بسته هم بزبان آمده مهر نطق دان
 را شکسته و آنبان ملاسلیمان باز شد بند از بسبب الله تعلق کردند : ای بابا ای مردم که خدمت امام تشنه اید بدانید من چیکند منبرم نه چسبیده
 آن (یعنی آنچه که من یاد گرفته ام از کتاب نیست همه را در پای منبر هافرا گرفته ام از زبان زبان و از سینه بسینه نه من تنها حامل این
 گنجینه ام بلکه همه قبیله من بر این شپوه مرضیه هستند علوم مالندی است ، نه مکنت رفته ام و نه درس خوانده ام ،
 نه عربی میدانم نه خواندن فارسی را میتوانم ای هستم هر چه یاد دارم از شکم مادر آموخته ام احادیث من جمله کی
 بجناب قعب السادات عم اگر هم منتهی است ایشان نیز از شاگردهای عمه اول یا منبر خوان جد والا گهر یاد گرفته اند
 بحمد الله در خانه های طایفه ما يك جلد کتاب حدیث یافت میشود مگر چند جلد [طوفان البکاء] و [جوهری] و [حله
 حیدری] و [الف لیل] و [خاور نامه] اگر چه حقیر تا حال يك کلمه از آنها را هم نخوانده ام لیکن بحمد الله
 محتاج نیستم این سینه بر از علوم است) شروع کرد بوعظ و حکایت ، موسی و قارون و غرق شدن قارون بزمین و خطابات
 فارسی بهوسای کلیم الله یعنی موسی خواستن زمین در اطاعت او باشد خداوند گفت تو نمی توانی الحاح کرد مستجاب شد
 حکم به بلع قارون کرد بعد پشیمان شد و وحی رسید به به من بتو نگفتم که نمیتوانی ، عرض کرد خدا یا توبه کردم خطاب
 رسید [چوخ دانشما] بعد زنی پیدا شد سبزه نام تا آخر حدیث بعد طعن بر علماء و حجج الاسلام و لمن بر مشروطه خواهان
 و آئین گفتن خدام در قند مشروطه ، میگفت ، ای ملعون گفتش یاریسی ، کلاه یاریسی اطاق و کالسکه یاریسی ، ای
 ملعون دین هم یاریسی ؟ ! مذهب هم یاریسی ؟ ! اعتقاد هم یاریسی ؟ ! باری شب اول ازدحام زیاد شد همه زیاد
 و قال و قبل پیدا شد جمعی بحماییت حجج اسلام بر آمده خدام مصمم شدند که هر که اسم مشروطه ببرد و حمایت از علماء نماید
 کتک بزنند برخی از ذوات شریفه از کفایت مطلع و بنایب ایران اطلاع دادند نایب عرض خوف از بروز فتنه و فساد
 بتصرف پیغام داد که این سپید بواسطه نجرری بر علماء و سر منبر رفتن و حمایت جمعی از علماء قهرا موجب فساد خواهد شد باید

رسماً او را از منبر رفتن منع کنی متصرف فرستاد نزد کلید دار که سپید در صحن منبر برود چون از صحن شریف مایوس
 شدند سپید محمد مهدی به سپید کاظم روضه خوان که در چکمرگی منبر به اکبر شاه سمت استادی دارد و هر دو دارای علم لدنی و درجه
 اہمیت دارند در خانه خودش مجلس ترتیب داد سپید هاشم سپید فتح الله نیز مجلس دیگری سپید . . . نیز مجلس ثالثی اکبر شاه
 را هر روز سه مجلس سر منبر کرده دو روی حلقه میزدند و در ضمن مشغول کار بودند . اکبر شاه با جمعیت خدام نزد متصرف
 کربلا رفته اظهار کرد که من از علمای طهران و مجتهدین هستم اینجا هم بعد از روضه سلطان را در دعا بشاه عجم مقدم داشتم
 از این جهت نایب بن عدالت کرد و حال آنکه من در طهران حضور ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه بعد از روضه
 حضرت سلطان را بشاهان عجم تقدیم میداشتم متصرف سمت شد خواست اذن بدهد لیکن خدام خبیث دیگری کردند (قبه دارد)

قابل توجه اولیای دولت

چون دوره حالبه مشروطیت که میتوان بدایت عهد عدالت
 شمرد در کمال حریت اظهار هر خیالی را بمرکز خود
 اجازه میدهد تا بتصفیه و جلو گیری آن پرداخته شود لذا
 دو فقره خبیانت اشکار را که این بنده معلوم ذیلا بعرض
 میرسانم (اول) چنانکه بیول و غضب حقوق از اولین
 شرایط دوره استبداد بود و اینک بحکم قانون مقدس مجلس
 شورای ملی شہد الله ارکانه رفع شده کان مہکنم که غالب
 مردم در حال اولیہ خود باقی هستند من جمله ترتیب حقوق
 و وظایف طایفه قاجار به است که محمد علی خان اعماد قاجار
 بهمدستی رضاخان مجد الاشراف و چند نفر از رؤسای قاجار
 حقوق متوفیات قاجار بهرا از سینه توفیقان بیل تا کنون چه در
 حق خودشان چه در باره اولاد و بستگان و گریهای خانه
 شان من غیر حق بر قرار کرده و دیناری بباقی ماندگان
 متوفیات ترحم نکرده اند دلیل بر صدق عرض حال دفتر
 دولت علیہ ایران است اگر رجوع بشود معلوم خواهد شد
 که اعماد قاجار در سنه ۱۳۰ نصت تومان مواجب داشته
 و امروز خود و اولادش دارای سه هزار تومان شده اند
 که آء و ناله بیچاره صاحبان متوفیات بعرض اعلی میرسد
 و هکذا پس از چهار سال تحصن در منزل حضرت
 اشرف آقای عضد الملک بیست هزار تومان برای حقوق
 طایفه فصول شده و سه هزار تومان آن از میان رفت
 و اسم بیچاره عضد الملک را خائنین بدنام کردند البته
 وزارت مالیه در استرداد حقوق منصوبه صاحبان متوفیات
 بذل توجیعی خواهند فرمود که کافی السابق معمول نشود .
 (دوم) از زمان قدیم مرسوم این بوده است که هر
 رئیس از ایل دو الی دو الی مرد شغل ریاست او را به
 پسرش واگذار می کردند نمی دانم چطور شد که بعد

از فوت حاجی محمد حسین خان این ارث بمحمد علی خان اعماد
 قاجار رسیده و ریاست را بدون قانون معمول ضبط کرد
 و باز نمی دانم که این حق مشروع از مرحوم پدرشان
 بمقو بلی خان یا از خالوی محترمشان نایب جواد قزوینی
 بمحمد علیخان عاید شد بدیسی است که رئیس محترم ایسل
 قاجار و خصوصاً اعلیحضرت اقدس هیابونی قراری در کلیه این
 ترتیبات مقرر خواهند فرمود که بیش از این بایش
 آمد های قانونی ایران اقدام باین سرقت ها نشود و حقوق
 این ایل باقی بماند امضا محفوظ

چرند پرنده

ای بابا ! برو بی کارت ، برو عقلمت را عوض کن
 مگر هر کسی هر چی گفت باید باور کرد ؟ پس این عقل
 را برای چی نوبی کله آدم گذاشته اند . آدمیزاد گفته اند
 که چیز بفهمد ، اگر نه میگفتند حیوان .
 مرد حسابی روزی بیست من برنج آب میریزد ،
 روزی دست کم دست کم که دیگر از آن کمترش باشد
 ده تومن دهشاهی و بیجشاهی مایه مبرد ، اینها برای چیه !
 برای هیچ و بوج ؟ ! چی می ! تو گفتی و من هم باور کردم ،
 این کله را می بینی ؟ این کله خنبلی چیزها توش هست ،
 اگر حالا سر پیری من هم عقلم را بدمم دست جاهل
 مامل ها من هم مثل آنها میشم که .
 مرد بیکه يك من ریش نوبی روش است به بین دیروز
 بمن چی میگورید میگورید : دولت میخواهد این قشون
 را جمع کند مجلس را توپ به بندد ، خدایک عقلی
 بتو بدهد يك پول زیادی بمن ، آدم برای يك عمارت بی
 و باچین در رفته از پشت دروازه طهران تا آن سر دنیا



رنو میزند ؟ آدم برای خراب کردن يك خانه پوسیده
 عهد سپهسالاری انقدر علی بلند ، عی نیزه ، ابوئی
 جگرکی ، مشقی ، فعله و حال خبر میکنند ؟ به به ؟
 احقی گفت و ابایی باور کرد ، خدا بدر صاف صادق
 بچه های طهر انرا بیا مرزد .

یکی دیگر میگوید شاه میخواهد اول با این قشون
 همه باغ شاه را بگیرد ، بعد قشون بکشد برد مهر آباد را
 بگیرد یکنی امام را بگیرد و بالاخره همه ایران را بگیرد ؛
 من میگویم مرد ! آدم يك چیز را نمیداند ، خوب بگوید
 نمیدانم دیگر لازم نیست که از خودش حرف در بیارد
 . شما را بخدا این را هیچ بچه باور میکنند که آدم پول
 خرج بکنند ، قشون قشون کشی بکنند لك و لك بینند توی
 عالمودنیا ، که چه خبر است میروم مملکت خودم را که از پدرم
 بمن ارث رسیده و قانون اساسی در خانواده من ارثی کرده
 از سر نو بگیرم ؟ این هم شد حرف ؟

والله اینها نیست ، اینها بولتنك است که دولت میزند
 . این ها نقشه است ، این ها اسرار دواتی است . آخر
 با با هر حرفی که نمیشد عالم و آشکار گفت . من حالا
 محض خاطر دل قایمی بعضی و کپل ها هم شده باشد میگویم ، اما
 خواهش میکنم . مرگ من . سبیل های دخورا تو
 خون دیدید این مطلب را بفرنگیها نگویید که بر دارند
 زود بنویسند بمملکت هاشان و نقشه دولت ما را بهم بزنند .
 مبادا بید دولت میخواهد چه بکنند ؟ دولت میخواهد
 این قشون را همچو یواشکی بطوریکه کسی نفهمد
 همانطوریکه عثمانی با اسم مشروطه طایه های وان قشون جمع
 کرد و يك دفعه کاشف بعمل آمد که میخواهد با روسیه
 جنگ کند . دولت ما هم میخواهد یواشکی این قشونها
 را با اسم خراب کردن مجلس و گرفتن سپه جمال و ملك و
 هر چه مشروطه طلب یعنی منسد هست جمع کند . درست
 گوش بدهید به بیدمطلب از کجا آب میخواورد ها . آنوقت
 اینها را دو دسته کنند يك دسته را با اسم مطیع کردن ایل
 قشقائی و بختیاری بفرستد بطرف جنوب . یکدسته را
 هم با اسم تسخیر کردن آذربایجان بفرستد بطرف شمال . آنوقت
 یکشب توی تاریکی آندسته اولی را در خلیج فارس یواشکی
 بریزد توی ده بیست تا کرجی و روانه کند طرف انگلیس
 و از اینطرف این یکی دسته را هم همین طور آهسته و
 وبی صدا باز دهمه های صبح قنقلك و بار و سه

سفره نان و هر چه دارند بار کنند روی چهل پنجاه تا
 الاغ و از سرحد جلنا از بیراهه بفرستد بطرف
 روسیه . آنوقت يك روز صبح زود ادوارد هنم در لندن
 و نیکلای دویم در پترز بورخ بگدغه چشمه اشان را
 وا کنند به بینند که هر کدامشان افتاده اند گیر بیست
 تاغلام قره جه داعی . والله خدا نیش را برا کند ، خدا
 دشمنش را فنا کند . ایهم نقشه شاپشال است که کشیده
 اگر نه عقل ما ایرانیها که باین کار هانمیرسد که .

شيطان میگوید هر چه داری و نداری بفروش بده
 این سرباز هاندر این سفر مال نبرك برات بیارند ، برای
 اینکه هم کرایه ندارد هم گمرک . صد تومنش سر میزند
 به بانصد تومن . خدا بدد برکت . بگدل هم میگویم
 خودم برم . اما باز میگویم نکنند شاپشان بدش بیاد ؟
 برای اینکه فکر میکنند بگویند این بد ذات حالا بش بفرنگستان
 رسیده آنجا ها را هم مشروطه خواهد کرد . باری خدا
 سفر همه شان را بی خطر کند . (دخنو .)

اعلان

محل توزیع جریده صور اسرافیل خپایان ناصر به جنب
 مدرسه دارالفنون مغازه های جناب امیر معظم

اعلان

کتاب شرح حالات حضرت امام زین العابدین (ع) از
 کتب ناسخ القواربج تألیف مرحوم سپهر بزرگ که در
 صحت سند و فصاحت بیان مسغنی از توصیف است . .
 باقلام و اهتمام سلاله دودمان دانش جناب مورخ الساطنه
 و از اثر همت جناب حاج زین العابدین تقی اوف محض
 ترویج دین مبین اسلام در باد کوبه با سلو بی طبع رسیده و
 در این روزها بطهران آورده اند البته دانشمندان موقع را غنیمت
 شمرده این در گرانهارا در نیمچه کتاب فروشان خواهند یافت

اعلان

خاطر آقایان محترم را زحمت افزا میشود این بنده
 سالها در اسلامبول مشغول به تحصیل خامه دوزی و ابریشم
 و کلابتون و پشم دوزی بوده است حال هر يك از آقایان
 ذوی الاحترام مایل باشند رجوع بمغازه سید حسین طاهر اف
 در خپایان ناصر به روی خانه حکم مرتضی نموده همه
 قسم از روی نقشه های خارجه بطریق دخواه و به قیمت
 مناسب دوخته میشود . سید حسین طاهر اف قلاب دوز